

ماجرای بانوی محله تیمور که از زیاد خواندن خسته نمی شود

۵۴

خوراک این فلافل فروش کتاب است



عکس: فهیمه فرخی / شهرآرا

مسجد ولیعصر (عج) روزگاری
با همت اهالی «قریه عطار» پا گرفت
نیت پاک ۷ کشاورز

۶



۳

همسایه به همسایه، دیدار هشتم
محله شهید قربانی
یک محله، پای کار یک هیئت

۷

نگاهی به فعالیت های گروه مساکین الفاطمه (س)
که برای حال خوب محله تلاش می کنند
مشق جهاد در طبّرسی شمالی



شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.

۳



● زندگی خوب، مهارت می خواهد

مصلای «آسمان» در محله مهرگان، این هفته نیز برگزارکننده دوره آموزش مهارت های زندگی با شعار «زندگی خوب، مهارت می خواهد» است. این دوره شنبه های هر هفته، ساعت ۱۵ آغاز می شود تا شرکت کننده ها علاوه بر استفاده از مباحث آموزشی، سوالات و مشکلات خود را مطرح کنند. حجت الاسلام رضایی، مدرس این دوره رایگان است و هر چند هفته یک بار، با تمرکز روی موضوعی پرکاربرد مثل فرزند پروری، ابعاد و ظرافت های آن را برای اهالی مهرگان باز می کند.



● مهرورزی در حوزه درمان

فرزانه شهامت، هزینه های هنگفت دندان پزشکی و ناتوانی برخی خانواده هادر پرداخت مبالغ میلیونی آن، بهانه حضور متخصصان خیراندیشی است که محدوده محله رسالت و فجر را برای برگزاری اردوی جهادی انتخاب کرده اند. آن هادر قالب گروه جهادی مهرورزان، از دوشنبه پیش، با استقرار در مسجد ابوذر واقع در طبرسی جنوبی ۶۵، میزبان هم محله ای هایی هستند که به خدماتی مثل کشیدن دندان، عصب کشی، جرم گیری، پرکردن و روکش نیاز دارند. بهای این خدمات که تا سوم اردیبهشت ارائه خواهد شد، یک سوم تعرفه های مصوب است.

● «نه» به آسیب های اجتماعی

دانش آموزان دبیرستان پسرانه شهید فرزام در محله طبرسی شمالی، هفته پیش، میزبان یکی از کارشناسان نیروی انتظامی بودند و برای پرسش هایشان درباره انواع آسیب های اجتماعی، پاسخ هایی متقن دریافت کردند. سرگرد علیزاده، جانشین رئیس کلانتری طبرسی شمالی که پاسخ گوی سوالات دانش آموزان بود، اطلاعات و تجربه خود را درباره آسیب های پرتکرار مثل اعتیاد به مواد مخدر، فضای مجازی، ارتباط با جنس مخالف و نزاع با آن ها به اشتراک گذاشت.



● دختران عباس آباد در پاتوق «مروارید»

پاتوق دختران مروارید در محله عباس آباد برای پذیرش دختران هفت تا پانزده ساله، فراخوان عضویت داده است. مسئولان این پاتوق که مستقر در مسجد امام رضا (ع) هستند، با استفاده از دو سال تجربه برگزاری دوره های دخترانه، امسال در برنامه هایشان به نیازهای مختلف دختران در این رده سنی توجه مضاعفی کرده اند؛ از آموزش انواع مدل های بافت مو تا ارتباط مؤثر، نکات قرآنی، تهیه دسر، اردو و کنترل اضطراب و... آن هاهای گویند کیفیت خدمات به دختران محله، برایشان مهم تر از کمیت آن است.



چشم انداز مناسب برای جاده کلات

شهرداری منطقه ۳ به منظور پاک سازی و رفت و روب، مسیر ورودی جاده کلات را از انتهای بهمن تاروستای فرخنده به طول ۱۰ کیلومتر به صورت رفت و برگشت نظافت کرد. این پاک سازی طی سه روز کاری و با حضور بیش از بیست پاکبان به همراه یک دستگاه توماس، چهار دستگاه کامیون سنگین و نیمه سنگین رقم خورد.

یک کوچه خاکی کمتر شد

خیابان شهید محمدزاده ۷ که در محله بهمن است تاچندی قبل خاکی بود و شهروندان از این اوضاع گلایه مند بودند. اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۳ آسفالت این کوچه را در دستور کار خود قرار داد و سیصد متر آن را زیر سازی و آسفالت کرد. شهرداری برای این پروژه بیش از ۳۰ تن آسفالت و اعتباری بالغ بر ۱۵۰ میلیون تومان هزینه کرده است.

تجهیز پایگاه اجتماعی محلات

اداره فرهنگی شهرداری منطقه ۳، سال گذشته ۳۵ مسجد منطقه را به لوازم و اقلام ورزشی تجهیز کرد. این اداره شاخصه های مختلف از جمله همکاری و مشارکت با شهرداری، مساجد محوری و فعال و... را در اولویت تجهیز قرار داد و توانست با اعتباری بالغ بر ۲۰ میلیارد ریال این پایگاه های اجتماعی را به لوازم ورزشی تجهیز کند.



۳

وعده نصب تابلو در کوچه های شهید محبی محقق نشد

سال به سر رسید، تابلوها نرسید!

شاهیان ادر محدوده خیابان محبی، به ویژه از محبی ۴۳ به بعد واقع در منطقه ۳ شهرداری مشهد، نبود تابلوهای نام گذاری معابر همچنان مشکلی جدی برای ساکنان و نیروهای امداد رسان مانند آتش نشانی و آمبولانس است. سال گذشته در گزارشی به این موضوع پرداختیم و ناهید فریدنیا، رئیس اداره نام گذاری معابر شهرداری مشهد، وعده داده بود که نصب تابلوها تا پیش از پایان سال انجام می شود. با گذشت زمان و محقق نشدن این وعده، دوباره پیگیر شدیم. این بار او پاسخ داد: بسیاری از تابلوهای معابر نصب شده است، اما برخی کوچه ها مانند محبی ۴۳ هنوز باقی مانده اند. این

روزها در حال نوسازی تابلوهای فرسوده و سامان دهی تابلوهای معابر هستیم. به احتمال زیاد دوشنبه پیش رو برای بررسی کوچه ها از آن محدوده بازدید می کنیم. فریدنیا همچنین از محدودیت هایی مانند نبود بودجه برای نصب تابلوهای نارنجی کتابخانه ها خبر داد و گفت: برای برخی اماکن مانند کتابخانه واقع در خیابان طبرسی شمالی ۳۴ در صورت تأیید نصب تابلو، هزینه را خود آن کانون فرهنگی باید تقبل کند.



همسایه به همسایه، دیدار هشتم، کوچه ابرار ۹

یک محله پای کار یک هیئت

سمیرا شاهیان اسه همسایه کاری کرده اند کارستان: هیئتی به نام «انصارالمهدی (عج)» را شکل داده اند که حال نه تنها چهارشنبه شب ها بیشتر ساکنان بلوک ۳۴ در کوچه ابرار ۹ را دور هم جمع می کند، بلکه همراهی سایر ساکنان محله را هم در شهرک ابرار جلب کرده و دست دوازده خانواده نیازمند را هم با کمک های مردمی گرفته است. در محله شهید قربانی، خیابان ابرار، بلوک های ساختمانی زیادی دارد که ساکنان آن ها در واحدهای ۶۷ و ۵۵ متری زندگی می کنند. با اینکه مساحت خانه ها زیاد نیست، محفل روضه در آنجا زنده است. از دل همین روضه ها، حکایت همسایگی شیرین رقم خورده است.

● جرقه اول از خانه خانم بقال

اولین کسی که در شهرک ابرار، سفره صلوات داشت و به واسطه آن گرد همایی خانم های همسایه بیشتر شد، معصومه بقال، از ساکنان ابرار ۹ است. او با لحنی آرام تعریف می کند: دوشنبه ها سفره ای به نام امام حسن مجتبی (ع) پهن می کنیم و دعای توسل می خوانیم. بعد از آن هم در همین محیط کوچک، نماز جماعت برگزار می کنیم. یک بار روضه خوان مجلس پیشنهاد کرد همکاری آقایان را هم جلب کنیم و فضای روضه را گسترش دهیم. بعد از آن همسرم، آقای هرمزی، پیگیر موضوع شد. او ادامه می دهد: نظر من این بود که روضه شخصی ام پابر جابماند، ولی با همراهی خانم و آقای کلاته هیئت راه اندازی کردیم. اوایل، هر هفته در خانه یکی از اهالی مجلس برگزار می شد و در حد بضاعت مان پذیرایی می کردیم. ولی رفته رفته فعالیت ها گسترده شد و تعدادی خانواده نیازمند راتحت پوشش حمایت های معیشتی قرار دادیم.

● دغدغه های مردمی هیئت

بتول عرب که اینجا همه به اسم «خانم کلاته» او را می شناسند، می گوید: ماهفت سال است که ساکن ابرار ۹ هستیم. سه سال بعد از سکونت مان کم کم خانه ها کامل شد و ایده هیئت در محله شکل گرفت. اوایل چهارشنبه شب ها مجلس هیئت در پارکینگ بلوک ۳۴ با حضور مداح، سخنران و برپایی خیمه برگزار می شد، ولی وقتی در جشن تولد امام رضا (ع) ششصد نفر جمعیت آمدند و جاکم آوردیم، با خبریه ای در همین محله صحبت کردیم که روضه ها و جشن های مناسبتی بزرگ در آنجا برگزار شود. با این حال، هنوز روضه اصلی چهارشنبه هادر خانه های اهالی و گاهی پارکینگ برگزار می شود. برای نمونه این هفته خانم هادر طبقه هشتم و آقایان در طبقه نهم بودند.

او اضافه می کند: کمک معیشتی را هم از دوسه خانواده شروع کردیم و الان به دوازده خانواده رسیده است. هر چهل روز، بسته ای به ارزش حدود یک میلیون تا یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان آماده می کنیم. در این بین، همه همسایه ها به ویژه خانم دلاور همکاری می کنند. تنها مشکل ما نداشتن مکان دائمی برای هیئت است.

● باعث دلگرمی همسایه ها

مریم دلاور، ساکن بلوک ۳۴، با اشاره به این مسیر می گوید: اول فقط خانم ها بودند، ولی بعد با هماهنگی همسرم و بقیه آقایان، فعالیت ها خانوادگی و گسترده شد. کار به جایی رسید که فضای کافی برای جمعیت استقبال کننده نداشتیم. از طرفی بعضی ساکنان به دلیل استفاده از آسانسور و برق و آب ناراضی بودند. برای اینکه حق الناس پایمال نشود، چند بار مراسم را بردیم مسجدی در همین نزدیکی، ولی همچنان مسئله کمبود مکان و هزینه وجود دارد. مریم خانم تعریف می کند: کم کم صندوقی ایجاد کردیم و قرار شد هر خانواده ای که توانش را دارد، ماهیانه از محل یارانه اش مبلغی کمک کند. هر دفعه هزینه پذیرایی را برآورد می کنیم و با مبالغی که جمع می شود، پذیرایی ساده انجام می دهیم یا شام تهیه می کنیم. البته تا الان توانسته ایم بسیاری از وسایل هیئت مانند بلندگو، پرده های مذهبی، سماور، استکان و... را بخریم. فعالیت این هیئت از صفر شروع شده، ولی اسمش که می آید، دل همه همسایه ها گرم می شود، چون هدف همه ما شاد کردن دل صاحب الزمان (عج) است.



معابر منطقه ما ایمن تر شد

اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۴ با نصب علائم هشدار دهنده و اصلاح هندسی بعضی از معابر، گامی در راستای بهبود دید رانندگان و تقویت ایمنی عابران برداشت. این اداره در همین راستا اقدام به نصب و تعویض ۴۷ پایه تابلو، ۱۱ بشکه ترافیکی، ۱۰۲۰ مورد گل میخ و رفلکتور و اصلاح فضای سبز در پنج تقاطع و گذرگاه عابر پیاده کرده است.

پلمب در انتظار واحدهای صنفی مزاحم

سال گذشته کمیسیون بند ۲۰ شهرداری منطقه ۴ برای سامان دهی مشاغل مزاحم ۲۰ هزار و ۸۰۰خطاریه صادر کرد. از این تعداد ۷۱۲ واحد صنفی متخلف و ۱۴۹ انبار ضایعات غیر مجاز پلمب شدند که در مجموع ۱۱۳ تن و ۶۹۲ کیلوگرم ضایعات به اداره پسماند شهرداری مشهد تحویل شد.

طرحی برای کاهش بار ترافیکی

پروژه اصلاح هندسی ابتدای بولوار طبرسی شمالی برای تقویت ایمنی سازی معبر سواره رو به پایان رسید. شهرداری برای این طرح که با هدف افزایش ایمنی، کاهش تصادفات و روان سازی بار ترافیکی اجرا شده است، ۷۶ میلیارد ریال هزینه کرده و اقداماتی شامل ۱۵۰ متر جدول گذاری، ۵۰ متر مربع خط کشی عرضی و... اجرا شده است.



با پیگیری شهرآرامحله، مشکل خیابان شهید آوینی پس از سه روز رفع شد

رفع نشتی آب

فیضی هفته پیش، حسین گوهری، یکی از شهروندان محله التیمور در تماس با شهرآرامحله، موضوع ترکیدگی لوله آب در خیابان شهید آوینی ۴۰ را در میان گذاشت. او عنوان کرد که ترکیدگی مربوط به سه روز قبل بوده و پیگیری ها از شرکت آب و فاضلاب بی نتیجه مانده است. حضور میدانی مادر نقطه گزارش شده، صحت حرف های شهروندان نشان می داد؛ لوله انتقال آب از خیابان شهید آوینی به روستای پاوا ترکیده بود و حجم زیادی از آب وارد زمین های بایر می شد.



بلافاصله موضوع را با محمود محتشمی، مدیر روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب مشهد، در میان گذاشتیم و کمتر از پانزده دقیقه بعد از اتمام تماس، واحد گشت اتفاقات آبفا در محل حضور یافتند. دقایقی بعد نیز یک دستگاه بیل مکانیکی در محل حضور پیدا کرد. با حفاری و تعویض بخشی از لوله آب، نشتی در کمتر از سی دقیقه رفع شد.

۴

داستان جلد

ماجرای بانوی محله تیمور که از زیاد خواندن خسته نمی شود

خوراک این فلافل فروش کتاب است

فرزانه شهامت بخت، یار بود و چند روزی می شد که پرتوهایی از آفتاب کم جان، به اهالی روستای قصر، رخ نشان می دادند. چیزی تا نوروز نمانده بود و اعضای خانواده هشت نفره امامی برای تکاندن غبار از خانه شان به خط شده بودند. فرش های نشیمن را پسرها به حیاط برده بودند تا بشویند و حالایی از دخترها باید روزنامه های باطله ای را که زیر فرش ها پهن شده بود، از کف اتاق جمع می کرد. هر چند بی بی زهره، دختری مانده به آخر خانواده، برای این کار داوطلب شده بود، دقایق متمادی بود که کف اتاق، نشسته و فارغ از هیاهوی اطرافش، مشغول خواندن مطالب روزنامه های رنگ و رو رفته بود؛ صحنه ای تکراری که صدای اعتراض مادر و خواهرهایش را بلند کرده بود. «باز تو نشستی به خواندن؟ خسته نمی شوی از مجله و کتاب و روزنامه؟» او که بعد از ترک تحصیل اجباری، تمام امید، تفریح و شادی اش شده بود خواندن همین کاغذها، سر بالا آورد و از جا برخاست؛ به امید پیدا کردن فرصتی دیگر برای تنها ماندن در دنیای مطالعه. دخترک آن روزها و بانوی فلافل فروش امروز محله تیمور، همچنان شیفته این خلوت است و کوتاه ترین فرصت هایش را برای غرق شدن در دنیای خواندن می داند.



تکرار شیرین

حالا که روبه رویش نشسته ایم، تعریف می کند که امروز صبح دلش بی هوا، هوای زیارت آقا ر کرده بود. برای همین زودتر از هر روز، بساط ناهار را برای همسر و سه فرزندش آماده کرد و خانه شان را در روستای امرغان به مقصد حرم ترک گفت. او برنامه ریزی درست برای کارهای روزانه را در کتاب های موفقیت خوانده است و خوب می داند که چطور هم برای خودش وقت بگذارد و هم به وظایف همسری، مادری و شغلش برسد. نجوای بانوی کتاب خوان محله تیمور با حضرت،

می کنند. برخی هم از دانش آموزان دبیرستان ایمان هستند که روبه روی فلافل فروشی قرار دارد. آن هادر این مدت، بی بی زهره امامی را خوب شناخته اند و بارها او را در مسیر رفت یا برگشت از کتابخانه قایمیه دیده اند؛ در حالی که چندین کتاب باریک و قطور را در آغوش دارد. نه این پیاده روی چند دقیقه ای تا کتابخانه برای تکراری شده است و نه سوالاتی که کسبه و مشتری ها با تحسین و تعجب از او می پرسند: «بی بی باز رفتی کتابخانه؟ راستی راستی همه این کتاب ها را می خوانی؟ مغزت سوت نمی کشد؟ چه حوصله ای داری به قرآن!»

مانع حضور به موقعش در فلافل فروشی نشد و مثل هر روز، ساعت ۱۰ صبح خودش را به مغازه رساند تا روزمره هایی رزق آفرین را تکرار کند، مایع فلافل را برای ریخته شدن در قالب ها و سرخ شدن آماده کند؛ گوجه ها، خیار شور ها و کلم های خرد شده را در ظرف مخصوصشان بریزد و سلف سرویس ها را از انواع ترشی پر کند. بعد از چند سال فلافل فروشی، حساب کار دستش آمده است که وقتی ساعت ۱۱ صبح بگذرد، مشتری های یکی و چند تا چند تا از راه می رسند و ساندویچ های یک نان و دونان را سفارش می دهند. بیشتر مشتری ها بومی اند و در مغازه های هم جوار کار

لذت زندگی با مادر کتاب خوان

ابوالفضل کاشف
متولد ۱۳۸۹



فرق دارد مادرت کتاب خوان باشد یا نباشد. از وقتی پای درد دل هم کلاسی هایت نشسته و از مشکلاتی شنیده ام که آن هادر خانه با مادر هایشان دارند، فهمیده ام که رفتار خوب مادرم بامن، برادر و خواهر کوچکم، نتیجه همان کتاب هایی است که می خواند. دوستانم همه اش می نالند از اینکه درک نمی شوند، از اینکه باید خواسته هایشان را چند دفعه و رک بگویند بلکه گوش شنوایی پیدا شود. مادر من این طور نیست. او حرف هایم را خوب می فهمد، حتی آن هایی را که سخت است مستقیم به زبان بیاورم. رمان دوست دارد ولی خودش را فقط محدود نمی کند به خواندن داستان. برای همین از همه چیز سردر می آورد. گاهی برایمان داستان تعریف می کند، گاهی به ما مشاوره می دهد. گاهی غذا های جدید می پزد و من می دانم همه این ها را توی کتاب هایی خوانده است که بعضی وقت ها مطالعه شان تا نیمه شب طول می کشد. راستش اینک من مثل خیلی از بچه های فامیل و دوستانم ترک تحصیل نکردم، هم به خاطر مادرم است؛ او از زندگی اش برایم گفته که چقدر دوست داشته مدرسه برو و کتاب های علمی بخواند. شرایطی که داشته، نگذاشته است به علاقه اش برسد و از طرفی، کتاب هم به آن صورت توی دست و بالمش نبوده است. درس هایم خوب است و به کتاب خواندن هم علاقه دارم، البته نه به اندازه مادرم؛ با این حال اگر موضوع کتاب، طنز باشد یا چیزی درباره تاریخ ایران باستان، از خواندنش نمی گذرم.



خبرخوان پرحوصله

قدمت این سؤال‌ها برای زهره، تقریباً به اندازه عمر چهل ساله‌اش است. از وقتی دست‌چپ و راستش را تشخیص داد و در مدرسه ابتدایی روستای قصر در جاده سیمان ثبت‌نامش کردند، بارها از او پرسیده شد که «خسته نمی‌شوی از خواندن؟» و او هر بار با تعجب از شنیدن این سؤال‌ها از خودش پرسید: مگر کار به این جالبی، خستگی دارد! او زمان را به یکی از تاریک‌ترین

روزهای زندگی‌اش برمی‌گرداند. درست وقتی که یازده ساله بود؛ «روستای ماتاکلاس پنجم داشت. مدرسه راهنمایی در شهر بود و رفت و آمد هر روزه برای من که دختر یک خانواده سنتی بودم، شدنی نبود. خیلی گریه کردم و دیر با قضیه ترک تحصیل کنار آمدم. از آن به بعد، تمام عشقم به درس خواندن خلاصه شد در خواندن روزنامه‌ها و مجله‌هایی که آقاچان از شهر سفارش می‌داد.» آقاچان، پدر زهره بود؛ پیرمردی بی‌سواد که با کارگری در یک دامداری، نان سفره خانواده نه نفره‌اش را جور می‌کرد. او عاشق خبرها و گزارش‌های حوادث

بود و زهره، خبرخوان پرحوصله‌ای بود که مطالب را روان و پرهیجان برای بابای می‌خواند؛ «آقاچان بهترین مشوق من برای مطالعه بود. به ماشین‌های حمل‌شیر و علوفه که به شهر می‌رفتند، می‌سپرد. برایش روزنامه و مجله بخردند تا من برایش بخوانم. آرامش می‌گرفت از خواندنم و نمی‌گذاشت کس دیگری جز من برایش بخواند.»



هدیه نامزدی

«رسم است که در دوران عقد، داماد هر بار که به دیدن همسرش می‌رود با هدیه‌ای خوشحالش کند. کادوی من به بی‌بی در آن روزهای شیرین، کتاب بود و روزنامه. آن قدر خوشحال می‌شد که انگار طلا و جواهر هدیه گرفته است.» این‌ها را محمد کاشفی، همسر بی‌بی، می‌گوید. علاقه بانوی کتاب‌خوانش، هر چند به کتاب خواندن او منجر نشده است، هیچ وقت به

شوق همسرش، بی‌اعتنایی نکرده و مانع بروز آن نشده است؛ «توی این دنیا هر کسی به کاری علاقه دارد. خانم من هم عشقش کتاب خواندن است. او با این کار، حس و حالش خوب می‌شود و آرامش می‌گیرد. چرا باید او را از این علاقه منع کرد؟» بی‌بی حرف‌های همسرش را تأیید می‌کند؛ اینکه با خواندن کتاب، آرامش می‌گیرد. از دغدغه‌های زندگی رها می‌شود و اگر کتابی که می‌خواند، رمان باشد، غرق در ماجرای زندگی آن‌ها می‌شود؛ «خودم را می‌گذارم جای شخصیت‌ها و از خودم

می‌پرسم اگر با فلان شرایط مواجه می‌شدم، چه کار می‌کردی؟» او شیفته کتاب‌هایی است که درس خودسازی می‌دهد. خواه در قالب اذکار و ادعیه باشد، خواه کتاب‌های انگیزشی یا رمان‌هایی که در آن قهرمان قصه، پنجه در پنجه مشکلات بیندازد. آن طور که می‌گوید قصه راه انداختن این فلافل فروشی نیز به نوعی از دل همین قصه‌ها بیرون آمده است.

هیچ کس جلال نمی‌شود

«همسر من چهار مشکلاتی شده بود و کاری از او بر نمی‌آمد. نداری، آزارم می‌داد. من در قبال خودم، همسر و بچه‌هایم وظیفه‌ای داشتم. تصمیم گرفتم قوی باشم. مشورت گرفتم و با کمک یکی از اعضای خانواده‌ام، این فلافل فروشی را راه انداختم. از ۱۰ صبح تا حوالی نیمه شب، سر کار هستم و با کمک پسر بزرگم، ابوالفضل و گاهی همسر، اینجارا اداره می‌کنم.»

هیچ‌کدام از مشغله‌های کار بیرون از منزل، بچه‌داری و خانه‌داری برای بی‌بی زهره مانع کتاب‌خوانی نیست. او می‌گوید: «توی خانه، وقتی برای مطالعه ندارم، بیشتر زمان کتاب خواندنم که می‌شود روزی حدود سه ساعت، مربوط به حضورم در فلافل فروشی است. قبل از رسیدن مشتری‌ها کتاب می‌خوانم. وقتی ساندویچ را می‌دهم دستشان، دوباره مشغول خواندن می‌شوم. از نویسندگان زیادی کتاب خوانده‌ام. به نظر من، بین رمان نویس‌ها، هیچ‌کس جلال‌آل احمد نمی‌شود.

روای بی‌بی زهره را در حالی می‌شنویم که مغازه، رفته رفته با حضور مشتری‌ها شلوغ‌تر می‌شود؛ «کاش متصدی یک کتابخانه بودم و روزهایم را لای کتاب‌ها می‌گذراندم. قفسه‌ها را زیر و رو می‌کردم و کتاب‌ها را یکی بعد از دیگری تمام می‌کردم. روای من، شبیه هیچ‌یک از اطرافیانم نیست، رفتارهایم نیز همین‌طور. برای همین روزی فقط ده پانزده دقیقه در فضای مجازی سیر می‌کنم. امیدوارم بتوانم بچه‌هایم را هم کتاب‌خوان بار بیاورم.»

۹ ماه عضویت، ۵۳ جلد کتاب

محمد اصغری
مسئول کتابخانه قائمیه



قبول کنید مواجه شدن با این صحنه‌ها. تعجب آور است؛ اینکه یک نفر هر دو هفته یک بار بیاید کتابخانه، با ذوق و شوق یک بغل کتاب امانت بگیرد و دو هفته بعد آن‌ها را تحویل بدهد و باز بایک بغل کتاب تازه از کتابخانه برود بیرون. تا ماه‌ها تکرار شود. یک روز از خانم امامی که خالق این صحنه‌ها بود، آقاهمه این‌ها را می‌خوانید؟ بالبخند پاسخ داد: «چرا که نه! از هر کدامشان یاد بگیرم. بعد هم شروع کرد در باره موضوع کتاب‌ها توضیح دادن. سه‌های ذهنی و با این پیش‌فرض که کتاب‌خوان‌ها، احتمالات تحصیلات ز تحصيلاتش پرسیدم و وقتی متوجه شدم که تا پایان مقطع ابتدایی به علاقه او به کتاب بیشتر تعجب کردم. این عضو فعال که پیش از این به تفرزندش، از منابع کتابخانه استفاده می‌کرد، از تیرپا رسال به صورت رسمی به کتابخانه قائمیه پیوسته و در این حدود ۹ ماه، ۵۳ جلد کتاب امانت گرفته است. خانم امامی با دیگر اعضای کتابخانه و به اشتراک گذاشتن تجربه‌اش درباره که خوانده، صحنه‌ای است که هر علاقه‌مندی به حوزه کتاب و کتاب‌خوانی نشناختن رادارد.

دوستی به واسطه کتاب

مریم محمد دوست
رفیق کتاب‌خوان شده

دو سه سالی می‌شود که بی‌بی رامی شناسم. مادر بزرگ من، همسایه فلافل فروشی اوست. بی‌بی اگر وقت اضافه داشته باشد، به مادر بزرگ من هم سری می‌زند و همین سرزدن‌ها بهانه‌آشنایی ما با هم شد. یک بار دیدم که بی‌بی چند کتاب همراهش است. گفت که از کتابخانه امانت گرفته است. من هم مثل او کتاب خواندن را دوست دارم اما در روستای کنه بیست که من در آن زندگی می‌کنم، پیدا کردن کتاب در درجه اول و کتاب خوب در درجه دوم، اصلاً کار ساده‌ای نیست. از خدا خواسته به بی‌بی گفتم: می‌شود از این کتاب‌ها به من هم امانت بدهی؟ امانت داد و من یک روزه، کتاب چهارصد پانصد صفحه‌ای را تمام کردم. اسمش بود «لاله عباسی» و قصه زندگی دختری را تعریف می‌کرد که به عشق نامزدش، حسین، تمام خانه را پر از گل‌های لاله عباسی کرده بود. کتاب، من و بی‌بی را به هم نزدیک‌تر کرده است. ما تصمیم گرفته‌ایم به جای اینکه نوبتی کتاب‌ها را بخوانیم، یکی از همین روزها برویم کتابخانه قائمیه تا خودم عضو شوم و بیشتر و بهتر بتوانم کتاب بخوانم و به همین بهانه، به مادر بزرگم هم بیشتر سر بزنم. برای من، اصل کتاب خواندن لذت دارد؛ با این حال خواندن کتاب کاغذی لذت بخش‌تر است. خوشحالم که بیشتر از همیشه به چیزی که دوستش دارم، نزدیک شده‌ام و دیگر لازم نیست با تلفن همراهم به دنبال نسخه مجازی و رایگان کتاب‌ها باشم.

مسجد ولیعصر (عج) روزگاری با همت اهالی «قریه عطار» پا گرفت

نیت پاک ۷ کشاورز

۳



راه تجربه

ادامه می‌گوید: این گروه باعث شده است خیلی از دختران نوجوان و جوان جذب مسجد شوند و پیوند نسل جدید با مسجد برقرار شود.

فرمانده پایگاه بسیج بانوان اضافه می‌کند: محله بلال در طرح محرومیت زدایی وزارت کشور، یکی از مناطق کم برخوردار معرفی شد. ما با وزارت کشور ارتباط داریم و در موضوعاتی مثل مسکن، اشتغال، بهداشت، حتی عمران محله همکاری می‌کنیم. اکنون در زمینه جمع‌آوری فحش‌ها، فعال هستیم که بالای سه سال در این محله سکونت دارند، فعال هستیم تا بتوانند در تعاونی مسکن ثبت نام و دارای زمین شوند. گرچه به دلیل محدودیت‌های فضای مسجد، بازارچه اشتغال‌زایی ندارند، ولی مردم بیشتر کارهایشان را از مسجد شروع می‌کنند. هرکسی برنامه‌ای برای کار دارد، اول به دوستان مسجدی خودش مراجعه می‌کند.

● تربیت سی حافظ قرآن

حجت الاسلام محمود شجاعی که حدود یک سال است در این مسجد به اقامه نماز می‌ایستد، می‌گوید: در ماه رمضان هر روز بعد از نماز ظهر، جزء خوانی قرآن داشتیم. برنامه بیان احکام، تفسیر حدیث و مسائل جهاد تبیین را هم داریم. افزون بر این کانون خادم‌یاری ماکلاس حفظ قرآن راه‌انداخته است و در همین سه سال دونفر حافظ کل قرآن شدند و در کل سی حافظ قرآن از یک تا پانزده جزء آموزش دیدند. ما با مدارس هماهنگیم، اگر دانش‌آموزی نیاز مالی داشته باشد، کمک هزینه تحصیل و ثبت نامش را تأمین می‌کنیم.



● چند دوره بازسازی، ولی نیازمند توجه

مسجد فعال محله بلال، با همه سادگی‌اش در مسیر یک تغییر بزرگ ایستاده است. اگرچه با مشکلاتی مثل کمبود فضا و نیازمندی‌هایی مانند حسینیه و مهدکودک روبه‌روست، اهالی که در آنجا وقت می‌گذرانند، هنوز به نیت پاک واقفان، به انرژی جوانانی که پای کار آمدند، و به دل‌هایی که هنوز این مسجد را خانه خود می‌دانند، امید دارند. به گفته اهالی، مسجد ولیعصر (عج) تاکنون سه یا چهار بار بازسازی شده و آخرین بار هم در سال گذشته با هزینه‌ای حدود ۵۰ میلیون تومان بوده است، اما هنوز هم نیاز به مرمت دارد.

ظاهر مسجد قدیمی شده است و امکاناتش برای جمعیتی که حالا در این منطقه زندگی می‌کنند، کافی نیست. این مسجد، دو باب مغازه و یک خانه خادم دارد. اما با وجود این منابع، هنوز نتوانسته توسعه‌ای در حد نیازهای امروز داشته باشد. یکی از خواسته‌های اصلی اهالی، ساخت حسینیه است. بسیاری از نمازگزاران و مسئولان مسجد برای این باورند که داشتن حسینیه دست‌ان‌ها را در برگزاری برنامه‌های فرهنگی و ورزشی بسته است.

مساجد سطح شهر مجهز به فضاهایی مانند مهدکودک یا گیم سنتر شود، ولی گاهی بار و دایره‌های تفریحی، اهدای بیت رایگان استخر و... توانسته است هرچند اندک از فضای سنتی خود خارج شود تا جوانان بیشتری به سمت آن بیایند.

● چهار بال مسجد برای پرواز محله

اعظم دهقانپور، مسئول کانون خادم‌یاری و پایگاه بسیج بانوان مسجد، می‌گوید: مادر مسجد چهار بخش اصلی داریم که هرکدامشان یک ستون برای ارتقای محله است: پایگاه بسیج بانوان، کانون خادم‌یاری، هیئت دخترانه و گروه جهادی که همه این‌ها به نام حضرت ولیعصر (عج) است. کانون خادم‌یاری حدود ۱۷۰ خانواده نیازمند منطقه را تحت پوشش دارد و در مناسبت‌های مختلف بسته معیشتی و پوشاک و وسایل خانه برای افراد تهیه می‌کنیم. آن‌طور که دهقانپور می‌گوید در گروه جهادی هم، افزون بر همه خدمات جهادی، حتی به سرکشی از سالمندان یا ارسال کمک برای خانواده‌هایی که توان نظافت ندارند هم توجه دارند و سعی می‌کنند همه جانبه نیاز افراد را برطرف کنند. یک بار نزدیک صد نفر برای شست و شو و نظافت منازل اعزام کرده‌اند. می‌گوید: این فعالیت‌ها برای ما پیوسته و همیشگی است و به نظرم مسجد برای خیلی‌ها حکم پایگاه خدمات اجتماعی را دارد.



● دخترها، پرچم‌دار هیئت

دهقانپور این راه هم بیان می‌کند: هیئت دخترانه مسجد، یکی از موفق‌ترین گروه‌های استان شده است. حدود سی عضو دارد و از اعتکاف دانش‌آموزی و مراسم مذهبی گرفته تا سرود، تئاتر در همه شاخه‌ها فعال هستند. وقتی دهقانپور این‌ها را تعریف می‌کند، در

سمیرا شاهیان اوایل دهه ۵۰ و در محله‌ای که روزگاری جز زمین‌های کشاورزی چیزی نداشت، مسجدی سر برآورد که نه فقط مأمونی برای نمازگزاران بود که حدود یک دهه بعد تکیه‌گاهی برای جوانان رزمنده شد. حالا مسجد ولیعصر (عج) در محله بلال که نیم قرن از قدمت آن می‌گذرد، خانه دوم بسیاری از اهالی است.

تاریخچه این مسجد، روایتی بلند از نیت خالصانه هفت کشاورز است؛ کسانی که دیگر نیستند تا در این مسجد نماز بخوانند، ولی ساکنان محل به نیکی از آن‌ها یاد می‌کنند. تعدادی از این نمازگزاران قدیمی را معصومه فراهانی، نماینده بانوان شورای اجتماعی محله بلال، گرد هم آورده است تا زلابه‌لای صحبت‌هایشان به گذشته مسجد و محله بلال سفر کنیم.

● از یک قریه کوچک تا...

به گفته محمد نعیمی موحد، نمازگزار قدیمی و ساکن محله، این‌جا در گذشته، منطقه‌ای به نام قریه عطار بوده و جمعیتش شاید یک دهه الان هم نبوده. او تعریف می‌کند: از صد متری فعلی تا منطقه خیرآباد همه‌اش زمین کشاورزی بود. مرحوم رمضانعلی شورورزی، که به «آزاد» معروف بود، نجار و کشاورز بود. یک کارگاه بزرگ ۵۰۰ متری داشت. احساس کرد محله به مسجد نیاز دارد و در دوسه سال، این مسجد را با پول خودش ساخت.



برات اورعی، نمازگزار قدیمی دیگری، به داستان این وقف اشاره و بیان می‌کند: مرحوم شورورزی در دوسه سال، خودش مسجد را ساخت. گفت نصف پول زمین با من، نصف دیگرش باشش کشاورز منطقه، یعنی ۶۰۰ متر مربع از مجموع ۱۲۰۰ متر مربع زمین مسجد را خودش خرید، ۶۰۰ متر دیگر را هم آن‌شش کشاورز پدرم هم یکی از آن کشاورزها بود. ولی ساخت مسجد کامل با خودش بود. از کسی کمک نگرفت. نیت واقف چیزی بود بین خودش و خدای خودش.



● جذب نسل جدید، از جبهه تا امروز

«بعد از ساخت مسجد، پایگاه بسیج آن شکل گرفت. آن زمان، مسجد هنوز خیلی ساده بود، ولی روح همدلی و مشارکت داشت. مسجد شد محل جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای جبهه. از همین جاکلی وسیله و پوشاک و مواد غذایی فرستاده شد برای رزمندگان. اولین شهیدی هم که از این مسجد رفت، شهید حسن تارکی بود. این‌ها را محمد رستگاری، فرمانده سابق پایگاه بسیج برادران مسجد ولیعصر (عج)، می‌گوید و ادامه می‌دهد: مرحوم رافعی، فرمانده پایگاه بسیج و از چهره‌های مؤثر آن دوره بود. در این سال‌ها هم سعی کردیم به اوضاع محله رسیدگی کنیم. قرارگاه عملیاتی ایجاد شد و حدود هفتصد معتاد متجاهر را از کال رسالت جمع‌آوری کردیم. نمی‌خواهیم مسجد فقط محل عبادت باشد، بلکه می‌خواهیم پایگاه امن محله باشد. این مسجد با اینکه هنوز نتوانسته مانند برخی از





نگاهی به فعالیت‌های گروه مساکین الفاطمه (س) که برای حال خوب محله تلاش می‌کند

مشق جهاد در طبرسی شمالی

هستند و نیازمندی‌های بقیه، چیز دیگری است. حمایت‌های اجتماعی مثل مشاوره‌های خانوادگی، پزشکی و تحصیلی از دیگر نیازهایی است که جهادگران از وقت و تخصص خود برای رفع آن بهره می‌گیرند. به فهرست خدمات متنوع و افتخارات این گروه فعال در محله طبرسی شمالی باید موارد دیگری را نیز اضافه کرد: مواردی مثل برپایی جشن عمومی در اعیاد، دسته‌عزاداری و پیاده‌روی در مناسبت‌های مرتبط و مبارزه با آسیب‌های فرهنگی مثل پوشش‌های نامتعارف که جزئیات آن را از زبان دیگر عضو گروه می‌شنویم.

عاشقانه و با اعتقاد

زهارازاری که از سه سال پیش به این گروه پیوسته است، جزو طلایه داران امر به معروف به شمار می‌رود و با سامان دهی گروهی از بانوان محله، یادآوری پوشش عقیقانه به عنوان یک باید اجتماعی را در برنامه دارد. او از گروه سرودی متشکل از دختران نوجوان محله می‌گوید که نوروز امسال، پای اجراهایشان به ایستگاه راه آهن رسید. زارعی، تنها نمونه‌ای از بانوان جهادگر مساکین الفاطمه (س) است که عشق به بهتر شدن حال محله و شهر خود را این طور بیان می‌کند: از ۴ صبح بیدار می‌شوم تا به بخشی از کارهای خانه و وظایفم در قبال همسر و فرزندانم برسم. کارهای گروه جهادی و گروه سرود ذیل آن، یکی دیگر از کارهای روزانه‌ام است. وقتی عاشق و معتقد باشی، برای خدمت به هم محله‌ای‌هایت وقت و انرژی کم نمی‌آوری.

خاطره به یادماندنی

بوستان شقایق در محله طبرسی شمالی، خاطره رمضان امسال را فراموش نخواهد کرد. اعضای گروه جهادی مساکین الفاطمه (س) که به پویش افطاری ساده پیوسته بودند، برای پانزده شب پذیرایی از مهمانان ماه خدا برنامه ریزی کرده بودند اما حال و هوای اهالی محله از نشستن پای این سفره در فضای دل‌باز بوستان آن قدر خوب شده بود که خیران محلی نیز پای کار آمدند تا نمایش این همدلی تا پایان ماه مبارک، تمدید شود.

پاسخ به نیازهای متنوع

از بین شصت خانواده‌ای که این گروه جهادی زیر پر و بالشان را گرفته‌اند، چیزی حدود ۲۵ درصد، محتاج کمک‌های مالی

شهامت‌ابه آب روان می‌ماند: بی‌قرار و تشنه جاری شدن. برای جان بخشیدن و زدودن تیرگی‌ها از اطرافشان، نه منتظر کسی هستند و نه پس از اتمام کار، انتظار تقدیر و تشکر از سوی کسی را دارند. می‌گویند امیدمان به عنایت بانویی است که توسل به او را در نام گروه‌همان گنجانده ایم. گروه جهادی مساکین الفاطمه (س) در مدت هفت سال فعالیت خود، برکاتی برای اهالی محله طبرسی شمالی به دنبال داشته است که راوی گوشه‌هایی از آن هستیم.

ما هم می‌توانیم

وقتی حضرت آقا از اهمیت گروه‌های جهادی گفتند، به این فکر افتادیم که ما هم می‌توانیم یکی از این گروه‌ها داشته باشیم. با چند نفر از دوستانی که هم دغدغه بودیم جمع شدیم و فعالیتمان را از سال ۱۳۹۶ شروع کردیم، ابتدا با تمرکز بر محلات رسالت، پنجتن و طبرسی شمالی و الان، متمرکز بر طبرسی شمالی. به آنچه که محمد امام وردی، مسئول گروه جهادی مساکین الفاطمه (س) می‌گوید، یک پانویس هم باید اضافه کرد: تقسیم‌بندی‌های یاد شده برای روزهای عادی است و اگر در هر جای شهر، استان یا کشور اتفاقی بیفتد که اعضای گروه با جمعیتی بالغ بر شصت نفر، حس کنند کاری از دستشان ساخته است، به پیشنهاد و جدانشان نمی‌گویند. نمونه‌اش سیل لرستان و خوزستان در سال‌های ۹۸ و ۹۹ بود که اعضای گروه را یک هفته درگیر امداد رسانی به سیل‌زدگان کرد.



طرح جهادی ارائه خدمات پزشکی در مسجد حضرت رسول (ص) برگزار شد

فراموشی درد را بلخند



عیدگاه

نگاه مسئولانه به حاشیه

معصومه برزونی، مسئول تشکل مردمی «مثبت سلیمانی‌ها»، درباره ضرورت اجرای چنین طرح‌هایی می‌گوید: قیمت‌های زیاد خدمات دندان پزشکی باعث شده است بسیاری از خانواده‌های کم‌برخوردار علما از درمان منصرف شوند. این چهارمین مرحله از اردوی جهادی دندان پزشکی ماست که با مشارکت گروه‌های جهادی شهید حسین عباسی، شهدای برزونی و شهید زوار برگزار می‌شود و همه این گروه‌ها زیر مجموعه ناحیه بسیج میثم هستند. او توضیح می‌دهد: خدماتی مانند جرم‌گیری، کشیدن، ترمیم و عصب‌کشی (در صورت نیاز) ارائه می‌شود. برخی از مراجعان کم‌برخوردار برای ادامه درمان به مراکز همکار ارجاع داده می‌شوند تا رایگان خدمات رادیافت کنند. برزونی می‌افزاید: در راستای حمایت از فرزندان آوری و جوانی جمعیت، درمان خانواده‌هایی هم که چند فرزند دارند، رایگان انجام می‌شود.

تخصصی و پیوسته

محمد زهانی، مسئول گروه جهادی شهید زوار که سابقه زیادی در این‌گونه فعالیت‌ها دارد، بیان می‌کند: گروه‌های بزرگی از بیرون مشهد می‌آیند، خدمات گسترده می‌دهند، اما بعد از چند روز می‌روند و فرد بیمار می‌ماند یا در ادامه درمان بر زمین مانده‌اش، در نهایت

شاهیان اصف‌های طولانی مردم در فضای مسجد، نه از سر شوق، بلکه از روی ناچاری بود: ناچاری برای هزینه‌های گران قیمت درمان که حالا با حداقل هزینه ممکن یا حتی رایگان در اختیارشان قرار گرفته بود. در روزهای گذشته، مسجد و حسینیه حضرت رسول (ص) واقع در طبرسی شمالی ۴۷، شاهد اجرای یکی از گسترده‌ترین طرح‌های جهادی سلامت در محله شهید قربانی بود.

در این طرح، گروه‌های جهادی با استقرار سه یونیت دندان پزشکی و گرد هم آوردن چند دندان پزشک و پزشک عمومی، به صورت هماهنگ و منسجم به درمان ساکنان کم‌برخوردار این منطقه پرداختند.

درمان دردهای پنهان

در انتهای سالن مسجد، سه یونیت دندان پزشکی کنار هم مستقر شده‌اند. دندان پزشکان جوان و جهادگر با روپوش سفید، در فاصله‌های مشخص، بیماران را می‌پذیرند: برخی برای کشیدن دندان آمده‌اند و عده‌ای هم برای ترمیم‌های ساده صف کشیده‌اند. هزینه هر خدمت تنها ۳۵ هزار تومان است که فقط برای تأمین مواد مصرفی دریافت می‌شود. در گوشه‌ای دیگر، پزشک عمومی مشغول ویزیت مراجعه‌کنندگان است. در راه پله‌های مسجد هم داروهایی که توسط کمک‌های مردمی جمع‌آوری شده است، در دسته‌بندی‌های مرتب قرار گرفته است و به رایگان در اختیار بیماران قرار می‌گیرد. صدای گریه کودکی که از آمپول می‌ترسد با صدای صبور دندان پزشک در مسجد درهم می‌آمیزد.

خدمات ادامه‌دار در حد رایگان

زهانی می‌گوید در این دوره خدمت جهادی تاکنون حدود ۲ هزار و ۵۰۰ خدمت دندان پزشکی ارائه شده که فقط سی درصد هزینه آن و مربوط به مواد مصرفی دریافت شده است. بازهم از این میزان، حدود ۱۰ درصد را مراجعه‌کنندگان پرداخت کردند و ۲۰ درصد مابقی با کمک خیران تأمین شده است.



درپی گزارش شهرازمحله از خیابان طبرسی شمالی

سرعت‌گیرهای آسفالتی جایگزین سنگی می‌شود



از کامیون‌ها نیز بیش از میزان استاندارد بار مصرفی‌شان کالاحمل می‌کنند و باعث تخریب بخشی از تایل ها و رمپ عرشه سرعت‌کاه‌ها می‌شوند.

سرعت‌کاه‌های سنگی جای خود را به سرعت‌کاه‌های آسفالتی می‌دهد؛ این وعده‌ای است که احمد وفاکیش می‌دهد و می‌گوید: جایگزین کردن سرعت‌کاه‌های آسفالتی را در دستور کار قرار داده‌ایم و تلاش می‌کنیم تا پایان اردیبهشت، عملیات تعویض و جایگزینی آن‌ها را به پایان برسانیم.

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۴ با اشاره به مصوبه کمیته فنی شورای حمل و نقل و ترافیک شهرداری مشهد اعلام می‌کند: برای کاهش حوادث فوت و جرح شهروندان، تدابیری از جمله اصلاح هندسی آیلند میانی و پیاده‌رو طبرسی شمالی ۵۶ تا ۱۵۸ اصلاح هندسی ورودی و خروجی بولوار طبرسی شمالی، انسداد دوربرگردان طبرسی شمالی ۱۵ نیز در دستور کار این اداره است.

محمدرضا فیضی ۱۷ فروردین گزارشی در صفحه ۳ شهرازمحله با عنوان «سرعت‌گیرهای کم‌کیفیت و پرهزینه» منتشر کرد و در آن گزارش، شهروندان خیابان طبرسی شمالی مطالباتی را مطرح کردند. در این شماره، به سراغ رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۴ رفته‌ایم تا پاسخ احمد وفاکیش را در این باره بشنویم.

او درباره گلايه مردمی مبنی بر عمر کم سرعت‌گیرهای سنگی (تایلی) می‌گوید: در دوره پنجم شورای شهر مشهد، مصوبه‌ای به شهرداری ابلاغ شد که در برخی از معابر سرعت‌گیرهایی به صورت سنگ فرش تعبیه شود. در مسیر بولوار طبرسی شمالی هم آن موقع تعدادی سرعت‌گیر نصب شد.

او در ادامه درباره عوامل تخریب سرعت‌کاه‌های سنگی می‌گوید: یکی از مواردی که به بتن و سنگ‌ها آسیب وارد می‌کند، باران‌های آغشته به مواد اسیدی و قلیایی است. این مواد به سطوح بتنی نفوذ می‌کند و عمر آن‌ها را کاهش می‌دهد. از طرفی بولوار طبرسی شمالی یکی از پرترددترین معابر شهر به شمار می‌رود. در این میان برخی

محله به روایت شما



محمد جواد رضا زاده، عضو شورای اجتماعی محله شهید قربانی (۲۶ اسفند):

دودستگاه خود رو حمل زباله ماه‌هاست که در خیابان ابرار ۴ رها شده و به پناهگاهی برای حضور معتادان و زورگیران تبدیل شده است. لطفاً برای جمع‌آوری این خودروها پیگیری کنید.

محسن فرمانبر، مسئول واحد رفع سد معبر منطقه ۴ (۲۹ فروردین):

با دریافت دستور از معاون محترم دادستان و صدور اخطاریه از سوی کلانتری پنجتن، مالک برای جمع‌آوری این دودستگاه اقدام کرد.



خانم محمودی، شهروند محله طبرسی شمالی

(۵ فروردین): شهرداری دپوی خاک و نخاله را در کوچه شهید نیک خلق یک رها کرده است و ظاهراً برای انتقال آن برنامه‌ای ندارد.

حسین خوشبخت، رئیس اداره خدمات شهری

(۲۸ فروردین): از زمین بایر کوچه شهید نیک خلق یک، تعداد ۱۰ سرویس کامیون خاک و نخاله به میزان تقریبی صد تن به سازمان مدیریت پسماند منتقل شد.



ظهر پنجشنبه گذشته، یک دستگاه خودروون خط ۱۰۳۴ در خیابان مهرمادر بنا به دلایل نامعلومی در آتش سوخت!

صغری غفوریان، محله مهرمادر



بهار قرقی دیدنی است. این روزها هر جا از محله قرقی را که نگاه کنید، شقایق‌هایی را خواهید دید که به شمال‌بخت می‌زنند.

احمد قلندری، شهروند محله مهرگان